

هدف کلی: توانایی تبیین مفاهیم سه گانه امکان، ضرورت و امتناع و بیان دیدگاه فلاسفه نسبت به ممکن الوجود بودن موجودات جهان

اهداف جزئی

تشخیص جایگاه مفاهیم سه گانه در قضایای مختلف
تعیین نسبت وجود با مفاهیم مختلف از نظر جهات
سه گانه وجوب، امکان و امتناع
درک ممکن الوجود بودن موجودات جهان و خود

مجتبی محمودی

دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایذه
سال تحصیلی: ۱۴۰۱ - ۱۴۰۰

به کانال ما در تلگرام بپیوندید
لینک کانال: t.me/mahmoudi_izeh

۳

نکته

جهان ممکنات

در درس قبل تا اینجا پیش آمدیم که دانستیم مفهوم «وجود» از مفهوم ماهیات و چیستی‌ها جداست و از ذاتیات آنها شمرده نمی‌شود. در این درس می‌خواهیم از این آموخته استفاده کنیم و آن را مبنای بحث دیگری قرار دهیم که در فلسفه اهمیت فراوانی دارد.

روزگاری انسان تصور می‌کرد که جهان طبیعت فقط از یک کهکشان راه شیری تشکیل شده است. تصاویر تلسکوپ فضایی هابل در اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی نشان داد که شمار کهکشان‌های جهان بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیارد است. اکنون گروهی از اخترشناسان نشان داده‌اند که این رقم باید ۱۰ برابر شود؛ یعنی حدود ۲۰۰۰ میلیارد!

تبدیل رقم ۲۰۰ میلیارد به ۲۰۰۰ میلیارد، در ظرف حدود ربع قرن، گویای آن است که این رقم می‌تواند ده برابر یا صد برابر و یا هزاران برابر گردد.



فضای کهکشانی

سیر قهقرایی یعنی
به عقب برگشتن

حال اگر از موجودات ماکروسکوپی (آبر موجودات) به سوی موجودات میکروسکوپی (ریز موجودات) سیری قهقرایی کنیم، می‌توانیم تخمین بزنیم که هریک از این ۲۰۰۰ کهکشان شناخته شده، حدود ۱۰۰ میلیارد ستاره و سیاره دارد و هر کدام از آن ستاره‌ها و سیاره‌ها، از میلیاردها میلیارد موجود و عنصر ساده و پیچیده تشکیل شده‌اند. هر عنصری نیز از میلیاردها میلیارد اتم ساخته شده و در داخل هر اتم ذرات و نیروهای مختلفی حضور دارند.

نکته

چه آن روز که دانشمندان تصورات محدودتری از موجودات طبیعی داشتند و چه امروز که دانسته‌اند طبیعت به این گستردگی است، بسیاری از مسئله‌های اساسی و بنیادی وجود دارند که همچنان ثابت مانده‌اند و اندیشمندان و متفکران درباره آنها بحث و گفت‌وگو می‌کنند و کتاب می‌نویسند.

1- چند مورد از مساله های فیلسوفان که همواره در طول تاریخ ثابت بوده اند را بنویسید؟

از جمله اینکه:

1 } جهان متناهی است یا نامتناهی؟

■ این جهان همواره بوده است یا آغازی مانند «مه بانگ» دارد؟

■ هستی منحصر به طبیعت است یا عوالم دیگری هم وجود دارد؟

■ آیا علاوه بر موجودات جسمانی، موجودات غیر جسمانی نیز هستند؟

■ آیا موجودات این جهان می‌توانسته‌اند نباشند یا موجود شدن برای آنها ضروری بوده است؟ 1

این درس درباره سؤال آخر است. ما در این درس می‌خواهیم با نظر فیلسوفان درباره امکان و ضرورت این جهان آشنا شویم و برخی دیدگاه‌ها را درباره این سؤال با هم مقایسه کنیم.

➤ نسبت‌های سه گانه در قضایا

به سه قضیه زیر توجه کنید.

عدد هشت فرد است.

دیوار خانه ما سفید است.

مثلث، شکلی سه ضلعی است.
موضوع محمول رابطه

به نظر شما، رابطه میان موضوع و محمول در این قضایا چگونه است؟ چه فرقی میان این سه دسته قضیه هست؟ آیا ممکن است مثلث، سه ضلعی نباشد؟ یا دیوار خانه ما سفید نباشد؟ یا عدد هشت فرد نباشد؟

پاسخ درباره قضیه اول منفی است؛ زیرا عدد چهار اگر زوج نباشد، عدد چهار نیست. به پایین صفحه مراجعه کنید

اما قضیه دوم چطور؟ آیا ممکن است دیوار سفید نباشد؟ پاسخ مثبت است؛ یعنی، با اینکه دیوار خانه ما فعلاً سفید است، اما می‌تواند سفید نباشد.

متن کتاب در این قسمت ایراد دارد. قضیه اول درباره مثلث است اما کتاب در ادامه قضیه اول را زوج بودن عدد چهار در نظر گرفته است. در صورتی که ادامه متن پاسخ درباره قضیه اول منفی است این جمله باید باشد: زیرا مثلث اگر شکلی سه ضلعی نباشد، مثلث نیست

۱- مفاهیم سه گانه ضرورت، امکان و امتناع را با ذکر مثال تعریف کنید؟

الف- رابطه ضروری : **محمول قضایا برای موضوعشان ضروری است** ← مثلث، شکلی سه ضلعی است

ب - رابطه امکانی : **محمول قضایا برای موضوعشان ضروری نیستند بلکه ممکن هستند؛ یعنی، هم می توانند این محمول را بپذیرند و هم نپذیرند** ← **دیوار خانه ما سفید است**

ج- رابطه امتناعی : **برقراری ارتباط میان موضوع و محمول غیرممکن است** ← **عدد هشت فرد است**

پس، می توان گفت **محمول قضیه اول**، به این دلیل که **ذاتی موضوع خود می باشد**، برای آن موضوع، «ضروری» و «واجب» است؛ اما **محمول قضیه دوم** برای موضوع خود **ضروری نیست** و هم می تواند این محمول را بپذیرد و هم می تواند نپذیرد؛ یعنی برای موضوع خود حالت «امکان» را دارد.

اکنون به قضیه سوم نگاه می کنیم. می بینیم که **در قضیه سوم**، برقراری ارتباط میان موضوع و محمول **غیرممکن است؛ یعنی محال و ممتنع است که عدد هشت، فرد باشد.**

نکته

تمرین

الف) در سه قضیه هندسی زیر، رابطه کدام موضوع با محمول خود واجب، کدام ممکن و کدام ممتنع است؟

۱ مجموع دو ضلع مثلث، بزرگ تر از ضلع سوم است. **این رابطه، ضروری و واجب است**

۲ ارتفاع و میانه در مثلث یکی است. **این رابطه، ممکن است و ضروری برای هر مثلثی نیست**

۳ مجموع زوایای مثلث برابر با سه قائمه است. **این رابطه، ممتنع است**

ب) شما نیز برای هر یک از روابط سه گانه چند مثال ذکر کنید:

رابطه وجوبی: **عدد چهار، زوج است** اسب جاندار است

رابطه امکانی: **خربزه میوه شیرینی است** هوای جنوب کشور گرم است

رابطه امتناعی: **تعداد موجودات روی زمین بی نهایت است** مثلث، دایره است

تا اینجا روشن شد که **میان موضوع و محمول در قضایا سه گونه رابطه می تواند برقرار باشد: رابطه وجوبی، رابطه امکانی و رابطه امتناعی.**

رابطه وجود با موضوع های مختلف

حال این پرسش مطرح است که «وجود»، به عنوان یک محمول، با موضوع هایش چگونه نسبتی دارد؟ مثلاً وقتی می گویم «زمین هست»، «انسان هست» و «خدا هست»، رابطه «هستی» با زمین، انسان و خدا رابطه امکانی است یا ضروری یا امتناعی؟

- ۱- از نظر فارابی و ابن سینا موجودات ممکن الوجود چگونه در خارج تحقق می یابند؟
- ۲- حالت «ممكن الوجود بودن» را با ذکر مثال توضیح دهید؟
- ۳- وقتی می گوئیم رابطه انسان با وجود یک رابطه امکانی است، منظورمان چیست؟

ابتدا فعالیت زیر را انجام دهید تا پس از آن، پرسش طرح شده را بررسی کنیم.

تعیین رابطه

اگر بخواهیم وجود را محمول موضوعات زیر قرار دهیم، به نظر شما رابطه میان وجود با این موضوعات، از نوع «ضرورت» خواهد بود یا «امکان» یا «امتناع»؟

خاک	مهربانی	سوختن	سیاه سفید	دیو	خداوند	فرشتگان	دریایی از جیوه	روح	پرنده	انرژی	مربع پنج ضلعی
امکان	امکان	امتناع	امکان	ضرورت	امکان	امکان	امکان	امکان	امکان	امتناع	امتناع

نکته

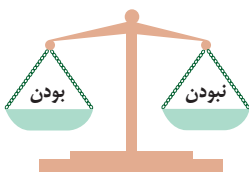
همان طور که مشاهده می کنید، رابطه برخی از این موضوع ها با «وجود» رابطه امکانی، و رابطه برخی، رابطه وجوبی و برخی نیز رابطه امتناعی دارند و نمی توانند موجود باشند. دسته اول را «ممكن الوجود»، دسته دوم را «واجب الوجود» و دسته سوم را «ممتنع الوجود» می نامند.

اکنون می خواهیم موضوع هایی را که با «وجود» رابطه امکانی دارند مورد بررسی بیشتر قرار دهیم و ببینیم: چرا در عین اینکه این موضوع ها فقط امکان وجود دارند، اکنون موجودند و جهان موجودات را تشکیل داده اند؟

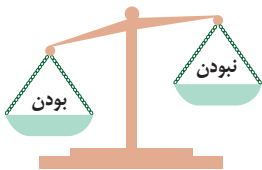
۱) فارابی و ابن سینا به این پرسش پاسخ داده و گفته اند چون این قبیل موجودات در ماهیت و ذات خود، ممکن الوجود هستند و با «وجود»، رابطه امکانی دارند، همین رابطه امکانی به ذات و ماهیت آنها اجازه می دهد که اگر علت وجود آنها فراهم شود، آنها نیز موجود شوند و در خارج تحقق یابند. ¹

۲) توضیح دیگر: (حالت ممکن الوجود مانند ترازویی است که دو کفه آن در حالت تعادل قرار دارند و هیچ کفه ای بر دیگری ترجیحی ندارد. حال اگر ببینیم یکی از کفه ها به سمت پایین کشیده شده و بر دیگری فزونی یافته، می گوئیم حتماً علتی در کار بوده که یک کفه را پایین آورده است. زیرا عقلاً محال است که خود به خود، یک کفه بر کفه دیگر سنگینی کند و به سمت پایین حرکت نماید.) ²

۳) پس وقتی می گوئیم رابطه ماهیت «انسان» با «وجود»، یک رابطه امکانی است، (منظور این است که انسان می تواند باشد و می تواند نباشد. ذات وی به گونه ای نیست که حتماً باشد و همچنین ذات وی به گونه ای نیست که حتماً



حالت امکان و تساوی



خروج از امکان و تساوی به وسیله علت ²

۲- میدانیم هر موجودی، وجود برایش ضروری است والا موجود نبود، حال یا ضرورت بالذات یا ضرورت بالغیر. اما اگر نگاه به ذات و ماهیت موجود کنیم موجودات عالم را می توان به دو دسته ممکن بالذات و واجب بالذات تقسیم کنیم این ممکن بالذات، چون اکنون موجود است، واجب بالغیر شده است پس موجودات عالم را از آن جهت که موجودند، به دو دسته واجب الوجود بالذات و واجب الوجود بالغیر تقسیم می کنیم. اما همین موجودات را از نظر ذاتشان، به دو دسته ممکن الوجود و واجب الوجود تقسیم می نماییم

۳) نباشد. با بودن علت، «وجود» برای انسان ضروری می شود و انسان واجب الوجود می گردد و موجود می شود؛ یعنی (در حال حاضر، همه اشیا یی که موجودند، «واجب الوجود» هستند، اما به واسطه علت هایشان، نه به واسطه خودشان، به عبارت دیگر: اینها «واجب الوجود بالغیر» هستند.)^۱

۱- به چه علت اشیا یی که موجودند، واجب الوجود بالغیر هستند؟

تفکر

- ۱ آیا می توان اموری را پیدا کرد که رابطه ذاتی آنها با «وجود» رابطه امتناعی بوده، اما علتی برای آنها پیدا شود و اکنون موجود باشند؟ اگر چیزی به نحو ذاتی از چیزی منفک باشد و نتواند با آن جمع شود و در عین حال بخواهد با آن جمع شود، اجتماع نقیضین پیش خواهد آمد که امری مخالف است.....
- ۲ اگر حقیقتی رابطه اش با «وجود» ضروری باشد، آیا می شود که چنین حقیقتی تاکنون به وجود نیامده باشد؟ زیرا اگر رابطه وجود یا چیزی ضروری باشد و نتوان وجود را از آن منفک کرد، بدین معناست آن چیز همواره موجود است و در هیچ برهه ای از زمان، وجود از او جدا نمی شود
- ۳ تکمیل کنید:

الف) موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه حتمی دارد **واجب** گویند.
ب) موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه امکانی دارد **ممکن** گویند.
ج) موضوعی را که نسبت به محمول وجود، رابطه محال دارد **ممتنع** گویند.

به کار ببندیم

- ۱ مفاهیم دوردیف زیر را که به هم مرتبط هستند، مشخص کنید و با آنها قضیه موجهه یا سالبه بسازید. سپس، رابطه میان موضوع و محمول را از حیث وجوب، امکان و امتناع مشخص کنید.
- مثلث، مربع، پیراهن حسن، عدد سه **مثلث سه ضلع دارد: وجوب** **مربع چهار ضلع دارد: وجوب**
- چهار ضلع، سه ضلع، آبی، زوج **عدد سه زوج است: امتناع** **پیراهن حسن آبی است: امکان**
- ۲ آیا موجودات عالم را می توان به واجب و ممکن تقسیم کرد؟ اگر تقسیم به واجب و ممکن مناسب نیست، کدام تقسیم مناسب است؟ **جواب بالای صفحه**
- ۳ چند حالت از حالت های زیر صحیح است؟

اگر مفهومی را در نظر بگیریم اما مصداق آن را در جهان نیابیم، معلوم می شود که:

الف) این مفهوم ذاتاً نمی تواند موجود شود.
ب) این مفهوم هنوز از حالت امکانی خارج نشده است.
ج) علتی نیست که بتواند آن را به وجود بیاورد.
هر سه حالت میتواند صحیح باشد، زیرا اگر چیزی را در ذهن خودمان بیاوریم و در نظر بگیریم، اما در خارج آن را نیابیم، میتواند بدان جهت باشد که ذاتاً ممتنع الوجود است، مانند شریک خداوند. همچنین میتواند بدان جهت باشد که علت آن پیدا نشده تا آن را از حالت امکان خارج کند و موجود نماید

۱. توضیحات بیشتر درباره این موضوع، در درس آینده خواهد آمد.

انواع سوالات درس دوم فلسفه دوازدهم

جهان ممکنات

تعیین کنید کدام یک از عبارات زیر صحیح و کدام یک غلط است؟

۱- در رابطه امکانی، اشیاء ذاتا می توانند باشند یا نباشند **صحیح**

۲- محال و ممتنع نیست که عدد هشت، فرد باشد **غلط**

۳- در حال حاضر، همه اشیا می توانند موجودند، «واجب الوجود» هستند **صحیح**

۴- در قضیه «دیوار خانه ما سفید است» محمول قضیه برای موضوعش ممتنع است **غلط**

۵- موجودات جهان برحسب ذات خود ممکن الوجودند اما از این حیث که اکنون موجودند، واجب الوجود بالغیرند **صحیح**

۶- در قضیه «عدد چهار زوج است» محمول قضیه برای موضوعش ضروری است **صحیح**

۷- حالت ممکن الوجود مانند ترازویی است که دو کفه آن در حالت تعادل قرار ندارند **غلط**

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید

۱- در قضیه «مثلث سه زاویه دارد» محمول قضیه برای موضوعش است. **واجب**

۲- در قضیه «عدد هشت فرد است» محمول قضیه برای موضوعش است. **ممتنع**

۳- واجب الوجود بالغیر ذاتش قطعاً..... است. **ممکن الوجود**

۴- رابطه ذات اشیا پیرامون ما با هستی..... نیست. **ضروری**

۵- موجودات در ماهیت و ذات خود، ممکن الوجود هستند و با وجود، دارند **رابطه امکانی**

۶- با بودن علت، «وجود» برای انسان می شود و انسان می گردد و موجود می شود

ضروری - واجب الوجود

۷- همه اشیا می توانند موجودند، «واجب الوجود» هستند، اما به واسطه **علت هایشان**

مجتبی محمودی، دبیر فلسفه و منطق شهرستان ایزه

لینک کانال تلگرام: t.me/mahmoudi_izeh